آنبود که رفت کشف ادریس نبی امروز نماند است بجز نام نجوم حسن فتح این قطعه بر روشن
میشود که نسبت این ابیات بحضرت ناظم رضی الله عنه مطابق واقع است شعر عطارد ایم
الله طال ترقبی عشاء و صباحا کی اراک فاغتما فهاانا مد فقوی ابلغ المنی و ورک العلوم
الغامضا اکرما وان یکفی المحظور والشر کله بامر ملک خالق الارض والسما خبر دادن از
خروج مهدی موعود بخت فرخ و طالع مسعود بنی اذا ما جاءت الترک فانتظر ولایة
مهدی یقوم بالعدل وذل ملوک الارض من آل هاشم وبویع منهم من یلذ و یهزل
صبی من الصبیان لارای عنده ولا عنده جد ولا هو یعقل فثم یقوم القائم الحق منکم
وبالحق یاتیکم وبالحق یعمل سمی نبی الله نفسی فداؤه فلا تخذلوه یا بنی و عجلوا جیش و
جیاشت و جنبان بجوش آمدن و دیگ و موج زدن دریا و ترک طایفه مردم از اولاد یافث
بن نوح و مهدی شخصی متصف بصفات کمال از اولاد فاطمه زهرا رضی الله عنها که
پیغمبر صلی الله علیه و سلم وعده کرده بظهور او و ام سلمه رضی الله عنها گوید شنیدم
از پیغمبر صلی الله علیه و سلم که میفرمود المهدی من عترتی من ولد فاطمة و ابو سعید خدری
گوید پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرمود المهدی منی اجلی الجبهة اقنی الانف یملا الارض
قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا یملک سبع سنین و هم ابو سعید گوید پیغمبر صلی الله
علیه و سلم گفت بلاء یصیب هذه الامة حتی لا یجد الرجل ملجا یلجا الیه من الظلم فیبعث الله رجلا
من عترتی و اهل بیتی یملا به الارض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما و اختلف فیه
فذهب اهل السنة الی انه امام عادل من ولد فاطمه رضی الله عنها یخلق الله متی شاء و یبعثه
نصرة لدینه و زعمت الامامیة من الشیعة انه محمد بن الحسن العسکری اختفی عن الناس خوفا
من الاعداء و لا استحالة فی طول عمره کنوح و لقمان و خضر علیهم السلام و هزل بازی کردن
از ثانی و صبیان جمع صبی و جد بکسر الجیم و سمی هم نام و سمی نبی الله اشارت بحدیثی که ابن مسعود
از پیغمبر صلی الله علیه و سلم روایت کرده لا تذهب الدنیا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی
یواطی اسمه اسمی ترجمه ای پسرک من چون بجوش کنند ترک پس چشم بدار حکومت مهدی را
که بر خیزد پس عدل کند و خوار شوند پادشاهان زمین از غلبه آل هاشم و بیعت کرده شود ازان

کس را که مزه کند و بازی کند کودکی از کودکان که نباشد هیچ اندیشه نزد او و جد باشد و نه او
خردمند باشد پس آنجا برخیزد قایم حق از شما و بحق آید شما را و بحق کار کند هم نام پیغمبر خدا نفس
من فدای او باد پس فرو مگذارید او را ای پسران من و بشتابید بدو شش روزی که شود سرها
ظاهر و نه هر طرفی شود هوای ظاهر از مشرق توحید برآید خورشید گردد همه جا نور عنایت
ظاهر فتح اکثر اکابر رموز در تاریخ مهدی گفته اند و گوهر تحقیق بالماس سخن سفته اند تخصیص
شیخ سعد الدین محمد حموی قدس سره و از اشعار اوست شعر اذا ابلغ الزمان عقیب صوم
بسم الله فالمهدی قاما نظم تابت و لم بسر و قد تو امید لرزد همه دم ز بیم هجران جون بید
گلهای سفید در چمن در فی جیست شد دیده او ز انتظار تو سفید شش هر ذره ز رخ جوی چشم من خون
گذرد آه دل گرم من ز گردون گذرد من بر سر راه آن سری منتظرم آشفته و سرگشته که او
چون گذرد امید بکرم وهاب النعم آنکه باصره ما از کحل الجواهر خاک آستان آنحضرت روشنی یابد و آفتاب
عالم تاب حقیقت جامعه او بر در و بام شخص ما تابد و ما ذلک علی الله بعزیز خطاب بشیخ عتیق ابوبکر
الصدیق علیه التحیة والسلام شعر تعلم ابابکر فلاتک جاهلا بان علیا خیر حاف و ناعل
وان رسول الله اوصی بحقه و اکد فیه قوله فی الفضائل ولا تبخسن منه حقه وارد دالوری
الیه فان الله اصدق قائل تعلم آموختن و حافی برهنه پای و ناعل پوشنده کفش و ایصا و صیت
کردن و تاکید استوار کردن و فضیلت هنر و بخس کاستن حق از مالت ترجمه پیغمبر بیاموز ای
ابوبکر و مباش جاهل باآنکه علی بهتر هر پا برهنه و هر کفش پوشنده است و بدانکه رسول خدا وصیت
کرد بحق او و استوار کرد در گفتار خود را در هنرها و کم مکن از وی حق او را باز گردان خلایق را
با وی چه بد رستی که خدا راست گوینده تر است شش سرچشمه علم معرفت جان علی است هر کس که ازان
چشمه خورد آب ولی است خورشید که بهر طالعش راجع شد در باب کمال فضل او نص جلی است
حکایت عجب و هزار عجب که این قطعه منظوم مرتضی علی رضی الله عنه باشد چه امیر المؤمنین ابوبکر
رضی الله عنه مقدم و مسلم صحابه بود و تقویت دین و ترتیب شرع بقدر استطاعت مینمود
و اگر خلافت او بغیر حق بودی مرتضی تحمل نفرمودی نمی بینی که با معاویه تنزل نکرد
و در اول خلافت او برای عزل او با عبد الله بن عباس مشورت فرمود او گفت مصلحت